

An Introduction to the Implications of the Maqasid al-Sharia for News Policy-Making in the Islamic Republic of Iran¹

Mohammad Mahdi M. Mohagheghi¹ 

Masud Fayazi² 



1. PhD Candidate in Cultural Policy-making, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author).

mm.mo64@yahoo.com

2. Assistant Professor, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran.

msd.fayazi@chmail.ir

Abstract

The lack of a coherent model for news media policy-making based on the *fiqh al-nizam* (jurisprudence of systems) and the *maqasid al-sharia* (objectives of Islamic law) constitutes the main challenge of this study. Due to its focus on immediate issues and the limited application of systemic jurisprudence, the Islamic governance has yet to develop an effective model in this area. Employing a qualitative method and documentary–library data collection, this study draws upon authentic jurisprudential sources to extract the *maqasid al-sharia*. The proposed policy recommendations are presented through an integrated model combining a root-based (layered cause analysis) and a branch-based (gradual) approach. Policymakers in the Islamic Republic are required to implement *maqasid al-sharia* related to news dissemination in managing domestic media organizations. This includes countering the influence of secularism in Islamic seminaries, strengthening the *jihad of clarification* discourse, promoting Islamic human sciences, and realizing the

1. Mohagheghi, M. M., & Fayazi, M. (2024). An introduction to the implications of the maqasid al-sharia for news policy-making in the Islamic Republic of Iran. *Jurisprudence and Politics*, 5(2), pp. 7-37. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72918.1090>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Specialized

▣ **Received:** 2025/04/28 • **Revised:** 2025/11/06 • **Accepted:** 2025/11/12 • **Published online:** 2025/12/03

invitation–response model. In this study, news media policy-making based on the *maqasid al-sharia* is examined at two levels: governmental and organizational. At the governmental level, policy-making is a process through which states pursue macro-objectives via executive programs and use media to enhance legitimacy and power. The concept of “governance in media” goes beyond legal control to encompass both formal and informal systems of media organization. The relationship between the state and media is reciprocal—media can reinforce or weaken governmental power, while the state directs the media through policy, regulation, and oversight. At the organizational level, policy-making covers pre-production, production, dissemination, and feedback processes to operationalize the *maqasid al-sharia*. Media ownership affects control and major news policies, and policy implementation may occur sequentially or simultaneously.

The proposed framework calls for developing a high-level document titled *National Media Security Strategy*, which pursues the *maqasid al-sharia* across four interrelated layers: public welfare, preservation of social systems, development and protection of national power, and safeguarding and promoting religion. This document provides a strategic framework for decision-making by state institutions and media executives.

Keywords

Maqasid al-Sharia, media policy-making, governmental jurisprudence, power generation, layered cause analysis.

مقدمة حول دلالات مقاصد الشريعة في السياسة الإعلامية

لجمهورية إيران الإسلامية^١

مسعود فياض^٢

محمد مهدي محققي^١

١. طالب دكتوراه في سياسة الثقافة في جامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، إيران (المؤلف المسؤول).

mm.mo64@yahoo.com

٢. أستاذ مساعد في معهد الثقافة والفكر الإسلامي، طهران، إيران.

msd.fayazi@chmail.ir



الملخص

إن غياب نموذج متسق لسياسة الإعلام الإخباري المبنية على فقه النظام ومقاصد الشريعة يُعد السؤال الرئيسي لهذه الدراسة. فالحكومة الإسلامية، بسبب تركيزها على حل المشكلات العاجلة وعدم استخدامها للنظم الفقهية، لم تتمكن بعد من تطوير نموذج فعال في هذا المجال. تمَّ إجراء هذه الدراسة باستخدام المنهج النوعي وجمع البيانات من المصادر الوثائقية-المكتبية، ولغرض استخراج مقاصد الشريعة، تم الاستفادة من المصادر والنصوص الفقهية المعتمدة. في التوصيات السياسية، تم استخدام نموذج تكاملي يجمع بين النهج الجذري (التحليل الطبقي السببي) والنهج الفرعي (التدرجي). يتعين على المسؤولين عن صياغة السياسات في الجمهورية الإسلامية إدارة المنظمات الإعلامية المحلية وفقاً لتحقيق مقاصد الشريعة في مجال الإعلام. يشمل ذلك مواجهة تأثير العلمانية في الحوزات العلمية، وتعزيز خطاب جهاد التبیین، وإنتاج العلوم الإنسانية الإسلامية، وتحقيق نموذج "الدعوة-الاستجابة". في هذه الدراسة، تم مناقشة وتحليل صياغة السياسات في مجال الإعلام الإخباري بناءً على مقاصد الشريعة على مستويين: مستوى حكومي ومستوى داخلي تنظيمي. على

١. **الاستشهاد بهذا المقال:** محققي، محمد مهدي؛ فياض، مسعود. (١٤٠٣) مقدمة حول دلالات مقاصد الشريعة

في سياسة الإعلام الإخباري لجمهورية إيران الإسلامية. الفقه والسياسة، ٥ (١٠)، صص. ٣٧-٧.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72918.1090>

□ نوع المقال: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية،

قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٤/٢٨ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١١/٠٦ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/١١/١٢ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٢/٠٣

المستوى الحكومي، تُعد سياسة الإعلام عملية يتبع فيها الحكومات الأهداف الكبرى من خلال البرامج التنفيذية، وتستخدم الإعلام لتعزيز الشرعية والسلطة. مفهوم "السلطة في الإعلام" يتجاوز السيطرة القانونية ويشمل الأنظمة الرسمية وغير الرسمية لتنظيم الإعلام. والعلاقة بين الدولة والإعلام هي علاقة ثنائية الاتجاه؛ حيث تعمل وسائل الإعلام على تعزيز أو تقويض السلطة الحكومية، بينما تقوم الدول من خلال صياغة السياسات والتنظيمات والرقابة بتوجيه الإعلام. تشمل صياغة السياسات على المستوى الداخلي التنظيمي، ومن أجل تنفيذ مقاصد الشريعة، عمليات ما قبل الإنتاج، الإنتاج، النشر وردود الفعل والتعليق. تؤثر ملكية الإعلام على السيطرة والسياسات الكبرى في مجال الإعلام، وتُنفذ السياسات إما بطريقة تدريجية أو متزامنة. النموذج المقترح في هذه الدراسة هو إعداد وثيقة عليا بعنوان "استراتيجية الأمن الوطني الإعلامي" التي تتابع مقاصد الشريعة في أربع طبقات مترابطة: الرفاه العام، حفظ الأنظمة الاجتماعية، إنتاج وحفظ القوة الوطنية، والحفاظ على الدين ورفعته. توفر هذه الوثيقة إطاراً لصنع القرار للمؤسسات الحكومية ومديري وسائل الإعلام.

الكلمات المفتاحية

مقاصد الشريعة، سياسة الإعلام، الفقه الحكومي، إنتاج القوة، التحليل الطبقي السبي.

درآمدی بر دلالت‌های مقاصد شریعت بر سیاست‌گذاری خبری جمهوری اسلامی ایران^۱



id^۲ مسعود فیاضی
 id^۱ محمدمهدی محقق

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقر العلوم (عج)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mm.mo64@yahoo.com

۲. استادیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران.

msd.fayazi@chmail.ir

چکیده

نبود الگویی منسجم برای سیاست‌گذاری رسانه‌های خبری بر پایه فقه نظام و مقاصد شریعت، چالش اصلی این تحقیق است. حاکمیت اسلامی، به سبب تمرکز بر حل مسائل فوری و عدم استفاده از نظامات فقهی، هنوز نتوانسته الگویی مؤثر در این زمینه تدوین کند. این مطالعه با روش کیفی و جمع‌آوری داده‌های اسنادی-کتابخانه‌ای پیش رفته و برای استخراج مقاصد شریعت، از منابع و متون معتبر فقهی بهره برده است. در پیشنهادهای سیاستی، الگویی تلفیقی به کار رفته که رویکرد ریشه‌ای (تحلیل لایه‌ای علل) را با رویکرد شاخه‌ای (تدریجی) ترکیب می‌کند. سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی، برای مدیریت سازمان‌های رسانه‌ای داخلی، موظف‌اند مقاصد شریعت مرتبط با خبررسانی را محقق کنند. این امر شامل مقابله با نفوذ سکولاریسم در حوزه‌های علمیه، تقویت گفتمان جهاد تبیین، تولید علوم انسانی اسلامی و تحقق الگوی دعوت-اجابت است.

در این تحقیق، سیاست‌گذاری رسانه‌های خبری بر مبنای مقاصد شریعت در دو سطح حاکمیتی و درون‌سازمانی واکاوی شده است. در سطح حاکمیتی، سیاست‌گذاری فرایندی است که دولت‌ها اهداف

۱. **استناد به این مقاله:** محقق، محمدمهدی؛ فیاضی، مسعود. (۱۴۰۳). درآمدی بر دلالت‌های مقاصد شریعت بر سیاست‌گذاری خبری جمهوری اسلامی ایران. فقه و سیاست، ۵(۱)، صص ۷-۳۷.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72918.1090>

□ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

کلان را در قالب برنامه‌های اجرایی دنبال می‌کنند و از رسانه‌ها برای تقویت مشروعیت و قدرت بهره می‌برند. مفهوم «حاکمیت در رسانه‌ها» فراتر از کنترل حقوقی، شامل نظام‌های رسمی و غیررسمی سازماندهی رسانه‌هاست. رابطه دولت و رسانه نیز دوسویه است؛ رسانه‌ها قدرت دولتی را تقویت یا تضعیف و دولت‌ها هم از طریق سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و کنترل، رسانه‌ها را هدایت می‌کنند. در سطح درون‌سازمانی، سیاست‌گذاری فرایندهای پیش‌تولید، تولید، انتشار و بازخورد را در بر می‌گیرد تا مقاصد شریعت را عملی کند. مالکیت رسانه بر کنترل و خط‌مشی‌های کلان خبری تأثیرگذار است و سیاست‌گذاری به شیوه ترتیبی یا همزمان اجرا می‌شود.

الگوی پیشنهادی، تدوین سندی بالادستی به نام «استراتژی امنیت ملی رسانه‌ای» است که مقاصد شریعت را در چهار لایه پیوسته پیگیری می‌کند: رفاه عمومی، حفظ نظامات اجتماعی، تولید و حفظ قدرت ملی و حفظ و برتری دین. این سند، چارچوبی برای تصمیم‌گیری نهادهای حاکمیتی و مدیران رسانه‌ای پدید می‌آورد.

کلیدواژه‌ها

مقاصد شریعت، سیاست‌گذاری رسانه‌ای، فقه حکومتی، تولید قدرت، تحلیل لایه‌ای علت‌ها.

مقدمه

فقه نظام، رویکردی فراگیر در ابواب فقه است که به مناسبات اجتماعی و حکومتی پاسخ می‌دهد، مبادی آن از علوم انسانی اسلامی گرفته شده و اجزای آن نظام‌مند، هم‌کنش و منسجم، با روحی واحد که هویت‌بخش است. مقاصد شریعت، ابزار کلیدی فقه، در استنباط احکام از منابع معتبر نقش دارد و برای حکمرانی مؤثر، از جمله سیاست‌گذاری، تقنین و اجرا، دخالت‌ایجابی و سلبی آن به شیوه قاعده‌مند بایسته است. این تحقیق بر سیاست‌گذاری خبری تمرکز دارد تا با کنش راه‌حل‌محور، معضلات حوزه را حل کند؛ زیرا سیاستمداران کشور تاکنون بر مسائل فوری متمرکز بوده‌اند و الگوی فقهی برای حکمرانی رسانه‌های خبری تولید نشده، که ریشه در فقدان نظام‌سازی فقهی توسط جامعه علمی دارد. تحقیق حاضر اثبات می‌کند که دخالت مقاصد شریعت، ظرفیت کارآمد فقه نظام برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای ایران است. تتبع نشان داد هیچ پژوهش منضبطی در نقش مقاصد بر سیاست‌های خبری وجود ندارد، هرچند تلاش‌هایی برای نظام فقهی فرهنگ و کرسی‌های مرتبط در حوزه علمیه قم گزارش شده است (واسطی و گلکار، ۱۳۹۸، ص ۶۰).

هدف تحقیق، تبیین چیستی، چرایی و چگونگی دخالت مقاصد کلی شریعت در بررسی‌های فقهی سیاست‌گذاری رسانه‌ای با تأکید بر خبر است. تحقیق حاضر کیفی و اسنادی است. راه‌های کشف مقاصد شامل عقل، بنای عقلا، سیره متشرعه، دقت در نصوص و مناسبت حکم و موضوع است. پیشنهادهای سیاستی بر الگوی تلفیقی رویکرد ریشه (تحلیل لایه‌ای علت‌ها: لیتانی، اجتماعی، گفتمانی، استعاری) و شاخه (تدریجی، متمرکز بر مشکلات عینی و تغییرات اندک) تکیه دارد (Lindblom, 1959, p. 27 & 32؛ Etzioni, 1967, p. 387). بر پایه نظریه چرخه‌ای سیاست‌گذاری (شافریتز، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱)، کنش‌ها و راهبردهای حاکمیتی برای سیاست‌های کلان خبری پیشنهاد می‌شود.

۱. نقش مقاصد شریعت در فقه

جاودانگی و خاتمیت دین اسلام ایجاب می‌کند که مجموعه احکام شریعت، تأمین‌کننده

اهداف آفرینش باشد؛ زیرا دو هدف ناهمخوان در تکوین و تشریع، با حکمت الهی ناسازگار است. شارع مقدس گاه در تشریع احکام، اهداف جزئی را پیگیری کرده که «علل الشرائع» نامیده می‌شود و گاه اغراض کلان را دنبال کرده که «مقاصد الشریعه» خوانده می‌شود. این مقاصد کلان، گاه از تمام یا بیشتر احکام حاصل می‌شود، مانند عبودیت و حیات طیبه، گاه از منظومه‌ای از احکام در باب‌های فقهی گوناگون حاصل می‌شود، مانند حفظ نفس از ابواب حدود، قصاص و دیات، و گاه از احکام یک باب خاص، مانند حفظ نسب از باب نکاح حاصل می‌شود. فقیهان امامیه مقاصد را یکی از راه‌های کشف حکم دانسته‌اند.

علامه حلی در تهذیب الاحکام به مقاصد شریعت می‌پردازد و آن را، راه کشف حکم شرعی می‌شمارد و قیاس اولویت را با شرایطی چون تناسب علت با غرض جعل حکم، معتبر می‌داند. ایشان تناسب را مقتضای علیت نمی‌داند و مناسبت را به دو قسم حقیقی و غیرحقیقی تقسیم می‌کند. در مناسبت حقیقی، به مقاصد پنجگانه نفس، مال، نسب، عقل، دین اشاره دارد که در محل ضرورت، از طریق احکامی نظیر قصاص، ضمان، حد، قتل مرتد و حرمت مسکرات حفظ می‌شوند؛ در محل حاجت، مانند تمکین ولی در تزویج بخاطر بیم از بین رفتن کفو؛ و در محل تحسین، مانند تقریر مکارم اخلاقی (علامه حلی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۲۵۳-۲۵۴). وی این مقاصد را امور استمراردهنده نظام بشر می‌داند: «إن نظام النوع لا يحصل إلا بحفظ النفس والعقل والدين والنسب والمال...» (علامه حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۰).

شهید اول مقاصد پنجگانه را یکی از وسائل حکم شرعی برمی‌شمارد: حفظ نفس با قصاص، دیه یا دفاع؛ حفظ دین با جهاد و قتل مرتد؛ حفظ عقل با حرمت مسکرات (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۸). شهید ثانی اجماع ملل بر حرمت زنا را برای حفظ نسب می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵). ابن فهد حلی، فاضل مقداد، ابن ابی جمهور احساسی و دیگران نیز این مقاصد را ضروری هر شریعت و احکام مربوطه را بر آن منتسب می‌دانند (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق، ص ۶۲؛ احساسی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۴). علامه مجلسی، کبائر را متعلق به این ضروریات می‌بیند و غرض نهی از معاصی را

حاصل ضد آنها می‌داند (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۶۶؛ ج ۱۱، ص ۱۳۲). سید مهدی بحر العلوم، شرایع را برای تقریر این مقاصد می‌داند (بحر العلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۹). صاحب ریاض و صاحب جواهر، حرمت زنا را اجماعی برای حفظ نسب از اصول پنجگانه هر شریعت برمی‌شمارند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۴۳۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۵۸). شیخ انصاری حرمت کذب را به مفسده اغراء و فریب منتسب می‌کند، یعنی امنیت حفظ اعتماد اجتماعی از مقاصد کلان شریعت است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۸). کاشف الغطاء به پنجگانه فوق، حفظ آبرو و رفع منازعات را می‌افزاید (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۴). محقق بروجردی، قانونگذار را در امور زندگی دنیوی اجتماعات بشری، شخص موید و منصوب از سوی خدا معرفی می‌کند تا این مقاصد را در معاش و معاد مردمان حفظ کند (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۷۵). آیت الله گلپایگانی آنها را اصول پنجگانه هر شریعت می‌نامد (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۶).

۲. نقش فقه در سیاست‌گذاری

فقه نظام، مسائل فقهی را براساس نظامات اجتماعی و حکومتی حصه‌بندی می‌کند تا به نیازهای حاکمیت و جامعه پاسخ دهد. این فقه، اقتضائات اداره نظامات را در عمل از علوم انسانی اسلامی به عنوان مبادی تصدیقه دریافت می‌کند؛ زیرا توصیف و پیش‌بینی نظامات به عهده علوم انسانی اسلامی و تبیین احکام شرعی به عهده فقه است. فقه، احکام تکلیفی و وضعی نظامات را بیان و در تولید علوم انسانی اسلامی، گزاره‌های تصوری و تصدیقی عرضه می‌کند (فیاضی و محمدی، ۱۴۰۱، ص ۱۷۹).

دانش سیاست‌گذاری، تصمیمات کلان حاکمیت برای تأمین مصالح جامعه را بررسی می‌کند؛ این دانش، تجلی اراده حکومت در عمل است و شامل ساختارهای هدفمند مقاصد، تصمیم‌ها و اقدام‌ها می‌شود که اقتدار محلی، ملی و فراملی را تأمین می‌کند. سیاست‌گذاری نیز با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه پیوسته است و پشتوانه تصمیمات کلان را تشکیل می‌دهد (روشندل اربطانی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۷). فرایند سیاست‌گذاری شش مرحله‌ای است: شناخت مسئله، ارجاع، تدوین خط‌مشی، مشروعیت‌بخشی، ابلاغ و

اجرا و ارزیابی. مسئله‌ای که در دستور کار قرار می‌گیرد، باید ماهیت وضع موجود، وضع مطلوب و اهداف متمایز کننده داشته باشد. مسائل سیستمی از طریق مشارکت مردمی و مسائل بنیادی در سطوح عالی سازمانی رسیدگی می‌شوند (الوانی و شریف زادگان، ۱۳۹۳، صص ۷۵-۷۶). الگوی دستور گذاری بر جریان اطلاعاتی تکیه دارد: جریان مسئله‌ای توجه‌ها را به توصیف معضلات جلب می‌کند؛ جریان سیاستی ایده‌ها را ترکیب و پیشنهادهای فنی ارزشی تولید می‌کند؛ جریان سیاسی از اتمسفر عمومی، رسانه‌ها و گروه‌های ذی‌نفع تأثیر می‌پذیرد. زمینه‌های اجتماعی و متغیرهای مداخله‌گر، همراه با تصمیم‌گیرندگان پنهان که از استراتژی پنجره‌های باز بهره می‌برند، بر ورود مسائل به دستور کار اثر می‌گذارند (Kingdom, 1989, p. 175 – 203).

بر این اساس، فقه نظام در مرحله دستور گذاری نقش مهمی را برای شناخت و معرفی مسائل و معضلات عمومی خصوصاً در جریان مسئله‌ای، سیاستی و سیاسی ایفا می‌کند. همچنین فقه در زمینه‌های اجتماعی عواملی مانند ارزش‌ها، باورها و هنجارهای عمومی و فرهنگ رایج را در نظر گرفته و وارد چرخه سیاست گذاری می‌کند، مانند مسئله کاهش نرخ جمعیت یا اخبار جعلی. فقه به عنوان متغیر مداخله‌گر نیز در بر دارنده مواردی است که در طراحی سیاست‌ها یا اجرای آنها نقش آفرین است.

۳. نقش خبر در سیاست گذاری رسانه‌ای

اطلاع‌رسانی صحیح، ارزشی و به هنگام از ضروریات ارتقای فرهنگ و بصیرت عمومی است. در این راستا، رسانه‌ها به عنوان نهادهای فرهنگ ساز در فرآیند ارتباط بین حکومت و مردم، نقش مهمی دارند. با توجه به تأثیر گذاری ژرف رسانه‌ها در دگرگونی‌های اجتماعی، تدوین سیاست‌های کلان برای این نهاد امری بایسته است تا کارآیی آن در جهت تحقق اهداف نظام بیشینه شود. سیاست گذاری رسانه‌ای مجموعه راهبردهای کلان و تصمیمات حاکمیتی است که چگونگی عملکرد رسانه‌ها را برای رسیدن به اهداف و غایات تعیین می‌کند. این سیاست‌ها اعم از محتوایی، فنی، مالی یا قانونی، بر عملکرد رسانه‌ها و رابطه آنها با مخاطبان تأثیر می‌گذارند و به عنوان عاملی

مؤثر در شکل‌گیری و تحول رسانه‌ها مطرح هستند (Hutchison, 1999, p. 98).

سیاست‌گذاری خبری، بر راهبری افکار عمومی در حوزه خبر تمرکز دارد و تأثیرگذارترین جنبه سیاست‌گذاری محتوایی است. رویکرد سنتی، رسانه‌ها را قابل‌مدیریت دولتی برای حفظ منافع عمومی می‌بیند، اما رویکرد نوین، با فناوری‌های نوظهور و منطق بازار، آن را غیرقابل سیاست‌گذاری می‌داند (روشندل اربطانی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۱۶). تحقیق حاضر بر پایه رویکرد سنتی صورت‌بندی شده است.

خبر، گزارش عینی واقعیت بدون سوگیری، متأثر از عوامل درون و برون‌سازمانی است. قالب‌های آن شامل خبر، گزارش، مصاحبه و نقد می‌شود. منابع خبری به تنظیمی، پوششی و تولیدی تقسیم شده و اعتبارشان با عواملی چون تخصص، اعتماد و صحت افزایش می‌یابد (محقق، ۱۴۰۴، صص ۳۰، ۲۰۸). اخبار موضوعی به راهبردی، تاکتیکی، تقویمی و رویدادی دسته‌بندی می‌شوند. مدیریت خبر، فرایند رصد تا انتشار با تأکید بر دروازه‌بانی، بر پایه نگاه سازمانی به خبر (کالا، خدمات یا مسئولیت اجتماعی) هدایت می‌شود.

۴. مقاصد کارآمد در رسانه‌های خبری

مقاصد شریعت راهکاری موثر و ابزاری کاربردی برای نظام اسلامی در سیاست‌گذاری رسانه‌های خبری است. مقاصد شریعت گاه درباره کلیت جامعه بشری، گاه در خصوص جامعه اسلامی و گاه مخصوص افراد و آحاد مسلمانان است. در ادامه برخی از مقاصد شریعت که در راستای سیاست‌گذاری رسانه‌های خبری قابل استفاده هستند، بررسی می‌شود.

۴-۱. مقصد حفظ، تولید و به‌کارگیری قدرت

حفظ توان و قدرت جامعه و حکومت اسلامی به‌عنوان یکی از مقاصد شریعت از ترکیب احکام جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، ولایت و قاعده نفی سبیل استنباط می‌شود. نگارنده پس از تعریف و تبیین مفهوم قدرت و اقسام آن و معرفی ابزارهای

نوین تولید قدرت در عصر حاضر، با استناد به آیات و روایات، بایستگی تبدیل ضعف به قدرت و مسؤولیت شرعی را در این باره بررسی می‌کند. قدرت در گستره‌ای وسیع به‌عنوان توانایی تأثیرگذاری در محیط و دستیابی به اهداف از طریق وادار کردن دیگران به تغییر رفتار معنی می‌شود؛ در سیاست داخلی، به معنای توان کنترل و تأثیر حاکمیت بر جامعه است و در روابط بین‌الملل، به معنای ظرفیت یک کشور برای تحقق منافع ملی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری رقبا و دشمنان است. از منظر فلسفی، «ملاصدرا» قدرت را کیفیت نفسانی مبدأ انجام یا ترک فعل و انگیزه‌ای درونی برای ترجیح عمل یا ترک آن می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۴، ص ۲۶۸).

در عصر حاضر مفهوم قدرت فراتر از دالّ سنتی سخت‌افزاری و نظامی رفته و انواعی چون قدرت نرم،^۱ شبکه‌ای،^۲ هوشمند^۳ و قدرت هنرمندانه^۴ پدیدار شده‌اند. رسانه‌ها، ارتباطات اجتماعی و اطلاعات به ابزارهای مؤثر نفوذ و تحمیل اراده تبدیل شده‌اند؛ نمونه تاریخی آن، نقش قدرت نرم رسانه‌های غربی در برتری فرهنگی غرب و افول شوروی سابق است. «قدرت هوشمند» به کاربرد هم‌زمان سیاست و رسانه برای شکل‌دهی به افکار عمومی دشمن یا جمعیت هدف است و «قدرت هنرمندانه» به استفاده خردمندانه و هدفمند از نقاط ضعف حریف برای کسب برتری، مخصوصاً در عرصه رسانه و ادراک‌سازی مربوط می‌شود. در فضای کنونی، دشمنان جمهوری اسلامی ایران از طریق طراحی صنایع معنا ساز، شبکه‌های خبری ماهواره‌ای فارسی‌زبان و فضای مجازی بر تغییر سبک زندگی و تضعیف باورهای اسلامی تمرکز دارند؛ در همه این اقسام، رسانه نقش محوری در تولید قدرت و ابزار شکست دشمن دارد (محقق، ۱۴۰۳، ص ۲۱۵).

از دیدگاه نصوص قرآنی، مبدأ و منشأ قدرت خداوند است: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره، ۱۶۵). این آموزه تأکید می‌کند که هرگونه عزت و قدرت حقیقی باید از خدا سرچشمه گیرد و تنها در پرتو توحید، قدرت پایدار ممکن می‌شود؛ «وَاللَّهُ الْعَزَّ وَ لِرَسُولِهِ

1. Soft Power.
2. Network Power.
3. Smart Power.
4. Artistic Power.

وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸). این نگرش علیه دیدگاه استکباری است که گروهی خود را برتر و سایر ملل را مقهور می‌پندارند؛ چنین روحیه‌ای نتیجه غرور و ادعای استقلال در برابر خداست و باید از قدرت مبتنی بر بندگی و مسئولیت‌پذیری جدا شود. آیت‌الله مکارم شیرازی این معنا را روشن ساخته است که عزت حقیقی نباید در پرتو استکبار و ذلیل‌انگاری دیگران باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۱۶۲).

روایات نبوی ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بر لزوم تبدیل ضعف به توانایی و نصرت مظلومان تأکید دارند. روایت منقول از پیامبر خدا ﷺ که ضعف در ترک نهی از منکر را مذموم می‌دانند، نشان می‌دهد ترک اقدام به خاطر ناتوانی مورد بازخواست الهی است؛ از این رو کسب قدرت برای انجام تکالیف شرعی بایسته است (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۴۴). در منابع امامیه، باب‌های متعددی به نصرت ضعیفا اختصاص یافته است؛ از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که کسی برادر مؤمن خویش را یاری نکند، خدا او را در دنیا و آخرت رها می‌کند (شیخ صدوق، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۷۴). همچنین توصیه‌هایی درباره مهربانی با یتیم و یاری ضعیفان و تواضع برای رسیدن به رحمت الهی وجود دارد (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۵۶). مجموع این نصوص دلالت بر این دارد که یکی از مقاصد شریعت توانمندسازی مستضعفان و تقویت صفوف مؤمنان است؛ مؤمن باید عزیز و نه ذلیل باشد (شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۳).

فقه‌های امامیه جهاد را از فروض دانسته و جهاد را حقیقتی شرعی با اولویت دفاعی تبیین کرده‌اند. شیخ طوسی جهاد را واجبی مورد اجماع شمرده است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲). جهاد دفاعی برای دفع خطر تهاجم دشمن و حفظ اصل اسلام واجب است و میزان تکلیف با شدت تهدید متناسب می‌شود. فقیهان امامیه با استناد به آیاتی مانند «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) نشان می‌دهند که آمادگی و تولید قدرت برای مقابله با دشمن ضروری است. محقق خویی و دیگران در مسئله جواز مسابقه با ادوات جنگی معتقدند کسب توانایی از هر طریق مشروع حتی تمرین و تجهیز برای مقابله، شمول حکم آیه را دارد (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ج ۸، ص ۵۰۸). براساس مقاصد شریعت در باب جهاد، قدرت تکلیفی است که باید کسب شود و تولید و استفاده از قدرت برای

تهدیدزدایی لازم است. زیرا دفع انواع تهدیدها و رفع خطر اقسام جنگ‌های نوین و نبردهای پیشرفته از طریق حفظ، تولید و استفاده از قدرت در انواع گوناگون امروزی امکان پذیر است. از آنجا که تولید قدرت معلل به تهدیدزدایی است (ترهبون به عدو الله و عدو کم)، از این مقصد شریعت می‌توان بازدارندگی فعال را به عنوان یکی از اصول استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نظریه پردازی کرد.

با توجه به تحول گونه‌شناسی تهدیدها در دوران نوین، ضرورت تولید قدرت، فراتر از قدرت سخت و نظامی است. جنگ هژمونیک،^۱ هیبریدی^۲ و حملات ترکیبی سخت، نیمه‌سخت و نرم، بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و عملیات سایبری و رسانه‌ای را به عنوان ابزار تهدید مطرح کرده‌اند. مواردی چون ویروس استاکسنت^۳ و اخلال در زیرساخت‌های پرداخت الکترونیکی، نمونه‌هایی از تهدیدهای هیبریدی‌اند (Broad & Markoff & Sanger, 2011, p. 7). بر پایه تجارب جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونی با ایران اسلامی، جنگ رسانه‌ای امروز شامل جنگ روایت‌ها، جنگ شناختی و جنگ روان‌شناسانه است؛ در جنگ روایت‌ها،^۴ طرفین روایت‌های رقابتی می‌دهند، در جنگ شناختی^۵ تلاش برای تغییر ادراک از طریق داده‌ها و اطلاعات انجام می‌شود و در جنگ روان‌شناسانه^۶ هدف تغییر نگرش‌ها و احساسات مخاطبان است (Jahan, 2016, p. 3759). این میدان‌ها اختلالات روان‌تنی، یأس، ترس، شرم و انفعال را در جامعه القا می‌کنند.

در چنین بستر تهدیدی، تدوین دکترین و استراتژی امنیت ملی رسانه‌ای از وظایف سیاست‌گذاران است تا از هجوم همه‌جانبه دشمن به مرزهای اعتقادی و سبک زندگی ایرانی اسلامی جلوگیری شود. نگارنده بر پایه تجربه نگاری جنگ رسانه‌ای با رژیم صهیونی و آمریکا، با نگاهی انتقادی به وضعیت کنونی باور دارد که علیرغم تلاش

1. Hegemonic war.

2. Hybrid War.

3. Stuxnet Virus.

4. War of Narratives.

5. Cognitive Warfare.

6. Psychological Warfare.

نهادها و شوراهای عالی متولی، رسانه‌های داخلی فاقد نقشه راه و راهبردهای مدون برای تولید و به کارگیری قدرت در برابر حملات پیشرفته رسانه‌ای هستند و بیشتر به تاکتیک‌های منفعلانه محدود می‌مانند. برای پاسخ‌گویی مؤثر، لازم است راهبردهای منسجم برای بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، هدف‌گیری مردمی طرف مقابل، نبرد اطلاعاتی و ارتباطاتی، استفاده از منابع غیرنظامی و تأمین منابع مالی پشتیبان تدوین و اجرا شود.

۴-۲. مقصد حفظ، تبلیغ و اعلا‌ی دین

یکی از مقاصد اصلی شریعت، حفظ دین است که از مجموع ابواب عبادات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و قواعدی چون نفی سیل و ارشاد جاهل و نیز احکامی مانند حرمت حفظ کتب ضلال، وجوب اعلا‌ی کلمة الله و وجوب تبلیغ دین استنباط می‌شود. فاضل مقداد حفظ دین را از مقاصد پنجگانه دانسته و می‌نویسد: «فالدین یحفظ بقسم العبادات» (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۵). شهید اول نیز آن را از ضروریات پنجگانه برشمرده و در باب جهاد و حکم قتل مرتد، غایت شریعت را در حفظ دین بیان می‌کند: «و حفظ الدین بالجهاد و قتل المرتد» (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۸). علامه مجلسی در تعریف گناه کبیره، منشأ جعل حکم حرمت را در مقاصد پنجگانه می‌بیند و نخستین آن را مصلحت حفظ دین در حوزه باورها می‌داند (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۶۷). محقق خوانساری نیز در بیان حرمت حفظ کتب ضلال، مقابله با چنین کتاب‌هایی را بر پایه عقل و به قصد حفظ دین واجب می‌شمارد: «فالعقل الحاکم بوجوب قطع مادة الفساد یحکم ... بالوجوب حفظا للدین» (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱). همچنین محقق خویی در وجوب اجتهاد، آن را از ضرورت حفظ دین در برابر از هم گسیختگی و نابودی می‌داند و می‌نویسد: «الصحيح فيه أنه واجب ... حفظا للدین عن الاندراک و الاضمحلال» (خویی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳). ایشان آیه «نفر» را نیز شاهدی بر لزوم تبلیغ احکام و هشدار به مردم معرفی می‌کند.

در مطالعات ارتباطی، رسانه در مکتب انتقالی ابزار انتقال پیام و کنترل اجتماعی است و در مکتب آیینی، فرایند تولید معنا و فرهنگ مشترک (یوسف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۸۸). این مکاتب بر پایه سکولاریسم در فرایند رنسانس شکل گرفتند که دین را از فرهنگ حذف و سلطه غرب را تثبیت کرد (پارسا، ۱۳۸۴، ص ۱۴). در پارادایم اسلامی، رسانه ابزار تبلیغ دین و فرهنگ‌سازی بر الگوی دعوت-اجابت استوار است (یوسف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵). دین افرون بر عرصه اجتماعی، در سطح تمدنی و بین‌المللی نیز حضور دارد. در این حوزه، رسانه مأمور انتقال پیام‌های معنوی و ایجاد معانی والای انسانی میان فرهنگی است. الگوی قرآنی این حضور براساس مفهوم «تعارف» در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ ... لِتَعَارَفُوا» (حجرات، ۱۳) شکل می‌گیرد که ناظر به تعامل و هم‌شناسی فرهنگی میان ملت‌هاست.

۳-۴. مقصد حفظ نظام

یکی از مقاصد شریعت اسلام که از بررسی ابواب اجتهاد و تقلید، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تجارت، قصاص، حدود، قضا، شهادت، ادله اثبات ولایت فقیه، احکام امور حسبه و قواعدی چون حفظ نظام، لاضرر، ید و حرمت اخذ اجرت بر واجبات به‌دست می‌آید، مقصد «حفظ نظام» است. شارع مقدس در جعل احکام، بویژه احکام معاملات، اهتمام ویژه‌ای داشته که هر آنچه که استمرار نوع بشر و بقای جامعه بر آن استوار است، تأمین شود. در آثار فقیهان امامیه، این مقصد با تعابیری نظیر حفظ نظام نوع، بقای نظام، استقامة النظام، بقای نوع، نظامات، واجبات نوعیه، واجبات نظامیه، اصول نظامیه مطرح شده است.

علامه حلی انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که بدون اجتماع نمی‌تواند به نیازهای خود برسد و هدف امام جامعه را «حفظ نظام نوع از اختلال» معرفی می‌کند: «حفظ نظام النوع عن الاختلال، لأن الإنسان مدني بالطبع لا يمكن أن يستقل وحده بأمور معاشه...» (علامه حلی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۸). او زندگی انسانی را متوقف بر تعاون و تقسیم کار می‌داند. علامه مجلسی نیز در شرح حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فلسفه این بیان الهی را

ضرورت «بقای نظام جهان» دانسته و توضیح می‌دهد که وجود حتی یک مؤمن برای مصلحت حفظ نظام کافی است (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۲۹۲). فخرالمحققین، غایت ازدواج را «بقای نوع بشر» می‌داند و می‌نویسد: «العله الغائية من النکاح بقاء النوع» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۱۳۶). سیدعمیدالدین اعرجی، علت برتری نکاح بر عبادت فردی را در «بقای نوع بشر» می‌داند (حسینی عمیدی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۰۲). فاضل مقداد، با تأکید بر اجتماعی بودن عبادات، اجتماع انسانی را مطلوب خداوند می‌داند، زیرا بقای نوع انسان در گرو بقای اشخاص است که تنها از طریق اجتماع تحقق می‌یابد (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۸۸). محقق کرکی نیز هدف شارع محترم را از تشریع نکاح، تولید نسل و «بقای نوع» معرفی می‌کند (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۴). مقدس اردبیلی در شرح ارشاد الازدهان، معاملات را از «ضروریات بقای نوع» می‌شمارد (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۵۱۹) و در زبدةالبیان، کسب معاش و فعالیت اقتصادی را در صورت قصد قربت و نیت کمک به جامعه برای عبادت، دارای ارزش الهی می‌داند، زیرا حفظ «بقای نوع» مقصود شارع است (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۰۰). ملاصالح مازندرانی در شرح حدیثی از امام باقر (علیه السلام) تفاوت‌های طبیعی انسان‌ها را عامل تحقق «نظام بشری» می‌داند، زیرا یکسانی مطلق افراد موجب زوال نظام و انقطاع نسل می‌شود. او بر این باور است که تنوع استعدادها و مشاغل، موجب برقراری نظام اجتماعی و استمرار نوع انسان است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص ۲۱). آل‌عصفور بحرانی نیز هدف امر به معروف و نهی از منکر را «بقای نوع انسانی و استمرار نظام و احکام شرع» می‌داند (آل‌عصفور بحرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۱۴). کاشف‌الغطا بر لزوم تعیین رئیس شایسته از سوی مردم تأکید دارد؛ زیرا اداره سیاست و احکام عمومی تنها با وجود حاکم صالح، موجب استقامت نظام و بقای نوع انسان می‌شود (کاشف‌الغطا، ۱۴۲۲ق، ص ۳). سیدمحمد بحرالعلوم در تبیین ولایت فقیه، به استقلال عقل در ضرورت نصب امام برای «حفظ نظام دینی و دنیوی» اشاره کرده و استمرار این ولایت را در عصر غیبت لازمه حفظ نظم و اداره جامعه می‌داند (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲۲). امام راحل، حفظ نظام را از واجبات مؤکد شرعی می‌داند و تصریح می‌کند که اجرای احکام الهی بدون حکومت و ولایت ممکن نیست. به نظر ایشان، تداوم احکام

الهی تا روز قیامت، مستلزم وجود حکومت اسلامی است تا از هرج و مرج جلوگیری کند، زیرا «حفظ النظام من الواجبات الأكيدة و اختلال أمور المسلمين من الأمور المبعوضة» (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۱۸). محقق خویی نیز انسان را «مدنی بالطبع» دانسته و هدف از تشریع معاملات را «حفظ نظامات بشری» و جلوگیری از هرج و مرج معرفی می‌کند؛ زیرا بدون معاملات، انسان‌ها برای رفع نیازهای خود به تغالب و قهر متوسل می‌شدند (توحیدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳). محقق سبزواری «حفظ نظام» را از «اصول پنجگانه نظامیه» دانسته که براساس اتفاق عقلا، ترک آنها موجب اختلال در جامعه است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۷، ص ۲۲۶). آیت‌الله گلپایگانی نیز برای اثبات مشروعیت تعزیرات، به اهتمام اسلام بر «حفظ نظام مادی و معنوی» استناد می‌کند و بیان می‌کند که اجرای احکام بر مسیر طبیعی خود، مستلزم برخورد حاکم با هرگونه اخلال در نظام است (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۵۳). محقق بجنوردی نیز در بحث اخذ اجرت بر واجبات نوعیه، حفظ نظام و نیاز عمومی جامعه را مبنا قرار داده و می‌گوید اخذ عوض بر مشاغل و صناعیه که بقای بازار و حیات جامعه بر آنها متوقف است، جایز می‌باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۱۴۳).

در عصر حاضر، رسانه با رویکردی موضوع‌شناسانه، در خدمت تحقق مقصد «حفظ نظام» است. رسانه‌ها با تأمین نیازهای جامعه در حوزه تداوم، انسجام، کنترل و هدایت عمومی، نقش ضروری در نظم و ثبات و همبستگی اجتماعی دارند. بر پایه نگاه کارکردگرایان، جامعه سیستمی هماهنگ و هدفمند است و رسانه عامل ارتباط میان اجزای این نظام است که ضمن تقویت انسجام درونی، در شرایط بحرانی نیز با اطلاع‌رسانی و تحلیل رویدادها، از تهدیدها و آسیب‌ها جلوگیری می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۸). در مقابل، ضعف رسانه‌های داخلی یا فقدان فرایند ارتباطی مؤثر، زمینه‌ساز هرج و مرج و و اختلال در نظامات اجتماعی است. در شرایط کنونی، برای صیانت از نظام اسلامی در برابر جنگ‌های ترکیبی دشمن و فشارهای سیاسی و فرهنگی، حفظ و تقویت رسانه‌های داخلی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تجربه حوادثی چون اغتشاشات بنزینی سال ۱۳۹۸ و ناآرامی‌های پس از فوت مهسا امینی در سال ۱۴۰۱ و نیز جنگ ۱۲

روزه تحمیلی رژیم صهیونی، نشان داد که تأخیر یا ضعف رسانه‌های داخلی در اطلاع‌رسانی و اقناع افکار عمومی، موجب شکل‌گیری هرج و مرج و سوءاستفاده دشمن و تحریک هیجانات اجتماعی می‌شود. این رخدادها مصداق روشن اختلال در نظام اجتماعی‌اند، زیرا موجب تعطیلی کسب و کارها، ناامنی عمومی، کاهش اقتدار نهادهای انتظامی و لطمه به نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور می‌شوند.

۴-۴. مقصد تأمین رفاه عمومی

از مقاصد شریعت اسلامی، تأمین رفاه و پیشرفت عمومی جامعه و جلوگیری از شکل‌گیری فاصله‌های طبقاتی است. آموزه‌های فقهی نظیر خمس، زکات، وقف، نذر، قرض‌الحسنه، صدقه، تعاون، نفقه، انفال، انفاق، مواسات، نحوه مصرف بیت‌المال، ضمان دولت، منع احتکار، نهی از اسراف و تبذیر و حرمت ربا، همگی ناظر بر تحقق این مقصدند. آیه شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، ۲۹) بیانگر اراده الهی برای بهره‌مندی همگان از نعمات زمینی است. خداوند اراده تشریعی خود را نیز بر برخورداری عموم مردم از مواهب طبیعی قرار داده و در آیه «هُوَ أَشْأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اشْتَعَمَكُمْ فِيهَا» (هود، آیه ۶۱) انسان را به بهره‌برداری مشروع از این نعمت‌ها فراخوانده است. اسلام مال و ثروت را ستون فقرات جامعه می‌داند و از آن به عامل قیام امت تعبیر کرده است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء، ۵). فقر نیز از همین رو ضعف در ستون اقتصادی جامعه شمرده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۴۹). با توجه به تفاوت‌های ذاتی، اجتماعی و تاریخی انسان‌ها، بهره‌مندی آنان از نعمت‌ها یکسان نیست و از این رهگذر، طبقات اقتصادی متفاوت پدید می‌آید. ثروتمندان موظف‌اند از اموال خود در حد نیاز بهره‌گیرند و مازاد آن را در جهت رفع نیاز نیازمندان صرف کنند. قرآن انباشته شدن سرمایه در دست گروهی خاص را نکوهیده است: «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه، ۳۴). در منطق اسلام، مال همانند خون در کالبد جامعه باید در گردش باشد تا حیات اقتصادی برقرار ماند. الگوی اسلامی تصرف در سرمایه، تجارت مبتنی بر رضایت طرفین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»؛ (نساء، ۲۹) از این رو معاملات ربوی، غرری و قمار ممنوع شده‌اند، زیرا موجب فروپاشی بنیان معیشت عمومی‌اند. علامه طباطبائی تجارت مشروع و مبتنی بر رضایت را تنها شکل سالم و انسجام‌بخش روابط اقتصادی می‌داند که نیازهای جامعه را تأمین می‌کند (علامه طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۰۶).

قرآن در آیه فیء، فلسفه احکام مالی چون خمس، زکات، انفال و فیء را جلوگیری از تمرکز ثروت در میان اغنیا می‌داند: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ ... كَى لَا يَكُونَ ذُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷). امیرالمؤمنین (علیه السلام) با استناد به این آیه، در سیاست اقتصادی خود تقسیم برابر بیت‌المال را جایگزین تبعیض مالی کرد و فرمود: «أَعْطَيْتُ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُعْطِي بِالسَّوِيَّةِ وَلَمْ أَجْعَلْهَا ذُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ» (شیخ کلینی، ج ۸، ص ۶۰). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز برخورداری از مسکن مناسب را نشانه خوشبختی دانستند: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۵۲۶). در سیره حکومتی امام علی (علیه السلام) نیز زندگی حاکم هم‌تراز با سطح زندگی مستضعفان جامعه بود تا الگوی عدالت و همدلی اجتماعی گردد. آن حضرت با فقر به‌مثابه دشمنی خطرناک برخورد کرده و فرمودند: «لَوْ تَمَثَّلَ لِي الْفَقْرُ رَجُلًا لَقَتَلْتُهُ» (تستری، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۲، ص ۲۱۷).

در روایاتی امام صادق (علیه السلام) مسئولیت اجتماعی مؤمنان درباره یکدیگر به‌روشنی مطرح شده و ترک یاری برادر مؤمن در حالی که توان کمک وجود دارد موجب عذاب الهی توصیف شده است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۳۸۵). فقیهان امامیه نیز رفاه عمومی را از مقاصد کلان شریعت می‌دانند. امام خمینی (ره) رفاه مستضعفان را یکی از اهداف اصلی اسلام معرفی می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۵۳۱). شهید صدر نیز معتقد است دولت اسلامی مکلف به تأمین زندگی شایسته برای همه شهروندان است. دولت باید با ایجاد نهادهای تولیدی و تأمین مالی، مشارکت عمومی در فعالیت‌های اقتصادی را پدید آورد. وی اصل «ضمان اعاله» را به‌عنوان وظیفه دولت در تأمین نیازهای ضروری افراد فاقد رفاه مادی معرفی می‌کند. اعاله به معنای فراهم‌سازی وسایل زندگی مکفی است و با افزایش سطح رفاه جامعه، دامنه آن نیز گسترش می‌یابد. شهید صدر با استناد به آیات و

روایات، بر وجود اصل «تضمین اجتماعی» تأکید دارد که بر پایه حق عمومی در بهره‌مندی از ثروت‌های طبیعی بنا شده است (شهید صدر، ج ۲، ۱۳۵۷، صص ۳۱۹-۳۲۵). آیت‌الله حسین وحید خراسانی هدف احکام شریعت را عمران دنیا و آخرت می‌داند. وی اهتمام شریعت را به رفاه دنیوی، فرعی و اهتمام به آخرت را اصلی می‌شمارد، اما تأکید می‌کند که رشد و شکوفایی اقتصادی نیز از مقاصد اسلام است: «اهتمت الشریعة المقدسة بالتنمية الاقتصادية» (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۵۵۸).

آیت‌الله هاشمی شاهرودی با استناد به آیه فیء، گردش ثروت و جلوگیری از تمرکز آن در دست اغنیا را از سیاست‌های کلان اسلام و وظایف حاکم اسلامی می‌داند تا فقر از جامعه ریشه کن شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۴۲). آیت‌الله سید کاظم حائری نیز هدف زکات را رسیدن مستمندان به سطحی نزدیک از رفاه معرفی کرده و تأکید دارد که در صورت ناکافی بودن منابع زکات، ولی فقیه مجاز به وضع قوانین نوین برای تحقق این هدف است (حائری، ۱۴۲۵ق، ص ۱۳۵). وی همچنین یکی از مقاصد شریعت را توازن اجتماعی در توزیع ثروت می‌داند و وظیفه ولی‌امر را جلوگیری از تمرکز اموال در دست گروهی خاص معرفی می‌کند (حائری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۲۷). آیت‌الله محمد سند بحرانی، از شاگردان شهید صدر، در تبیین نظریه «منطقة الفراغ»، توجه به اهداف کلان شریعت را نخستین ضابطه می‌داند و با استناد به آیه فیء، جلوگیری از انباشت ثروت در دست اغنیا را از مقاصد شریعت برمی‌شمارد. او همچنین غایت زکات را رساندن فقیر به سطح متعارف زندگی می‌داند (سند، ۱۴۲۶ق، ص ۲۹۳). آیت‌الله عبدالله جوادی آملی پس از بیان آیاتی درباره آفرینش نعمات برای انسان، رفاه عمومی را نتیجه حرکت صحیح چرخه تولید می‌داند. از نظر او اسلام بر دو عنصر «تلاش در تولید برای رفاه جامعه» و «قناعت در مصرف» تأکید دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۸).

در عصر جدید، رسانه و ارتباطات نقشی اساسی در تحقق عدالت اجتماعی و کاهش فقر ایفا می‌کنند. گسترش ارتباطات یکی از شاخص‌های پیشرفت و رفاه عمومی است؛ زیرا آگاهی اجتماعی از راه رسانه، عامل مقابله با استضعاف فکری است. قدرت‌های استکباری همواره از جهل ملت‌ها برای سلطه بهره برده‌اند. قرآن جهل را منشأ انحراف

می‌داند و در ماجرای سرکشی و نافرمانی بنی اسرائیل، بت پرستی آنان را نتیجه نادانی معرفی می‌کند: «قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف، ۱۳۸). به همین خاطر امام صادق (ع) فرمودند که اگر بندگان هنگام جهل به مطلبی، توقف کنند و حقیقت را انکار نکنند، گرفتار کفر نمی‌شوند: «لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ إِذَا جَهِلُوا وَقَفُوا وَلَمْ يَجْحَدُوا لَمْ يَكْفُرُوا» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۸).

از دیدگاه اسلام، رسانه عامل شناخت، الفت و مواسات اجتماعی است. همبستگی و همدلی مردمی از مهمترین عوامل رفع فقر و تأمین رفاه عمومی است. قرآن در وصف مؤمنان می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷-۱۸). نخستین گام در مسیر شناخت و هدایت، گوش سپردن به حقیقت است. بر این پایه، رسانه باید بستر همدلی، فهم متقابل و رفع نیازهای جمعی باشد. رسانه‌ای که مردم را به تعاون و همیاری برای رفع محرومیت فرا می‌خواند، تجلی الگوی اسلامی ارتباطات است و مخاطبان خود را همگام و همدل می‌کند (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۸، ص ۲۰۹).

۵. الگوی سیاست‌گذاری رسانه‌های خبری برگرفته از مقاصد شریعت

سیاست‌گذاری رسانه‌های خبری براساس مقاصد شریعت در دو سطح قابل بررسی و تحقیق است؛ سطح فراسازمانی (حاکمیت) و سطح درون سازمانی. ابتدا به سیاست‌گذاری رسانه‌های خبری توسط حاکمیت می‌پردازیم.

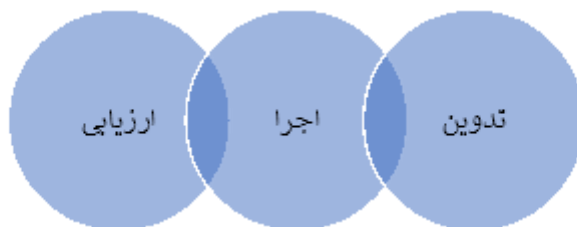
سیاست‌گذاری فرایندی است که حکومت از طریق آن، غایات و اهداف کلان خود را به برنامه‌های اجرایی تبدیل می‌کند تا تغییرات مطلوب را در جهان واقعی پدید آورد. تمرکز بر همکنشی دولت با جامعه در مراحل شناخت مسئله، طراحی، اجرا، ارزیابی و اصلاح سیاست‌هاست (باقری و پورعزت، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲). قدرت دولت از نمادهای رسانه‌ای افزایش می‌یابد؛ بنابراین دولت‌ها رسانه‌ها را برای تحکیم مشروعیت و اقتدار خود کنترل می‌کنند. سیاست‌گذاری دولتی در رسانه‌ها طیفی از اهداف و مبانی را شامل می‌شود، از فرایندهای سیاسی سطح بالا تا تصمیم‌های اداری خرد، مانند تنوع یا تک‌صدایی

رسانه‌ها، نظارت دولتی، حضور فناوری‌ها و ماهیت حقوقی سازمان‌های رسانه‌ای. این مداخله با مفهوم «حکمرانی در رسانه‌ها» مرتبط است که الگوی نوینی برای تحلیل سیاست‌گذاری و کنترل فراتر از چارچوب قانونی است. حاکمیت رسانه‌ای راهکاری برای حل مسائل اجتماعی و خلق فرصت‌های عمومی است و شامل نظام‌های رسمی و غیررسمی، ملی و فراملی، متمرکز و پراکنده برای سازماندهی سیستم‌های رسانه‌ای می‌شود (Puppis, 2010, p. 139).

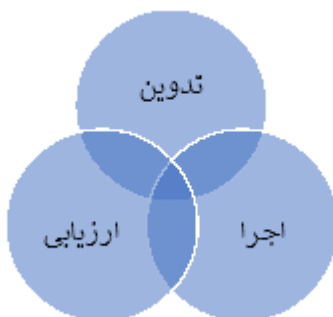
حکمرانی بر رسانه‌ها به کنترل قانونی، هدایت و سازماندهی نظام‌های رسانه‌ای کشور می‌پردازد. سیاست‌های ناگهانی بدون برنامه‌ریزی نتایج نامطمئنی دارند و گزارش‌های انتقادی رسانه‌ها در موفقیت یا شکست آنها تعیین‌کننده‌اند ولی سیاست‌های از پیش تعیین‌شده، نقش رسانه را کم‌رنگ می‌کند. رسانه‌ها در تصمیم‌های سیاست خارجی و اجرای آنها نیز مؤثرند. رابطه دولت و رسانه دوسویه است: رسانه‌ها قدرت دولت را افزایش یا کاهش می‌دهند و دولت‌ها از طریق سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، تنظیم‌گری و کنترل، رسانه‌ها را تقویت یا تضعیف می‌کنند. مداخلات از اعطای اعتبار تا مشوق‌ها و جرایم را در بر می‌گیرد. رسانه انتقادی با نمایندگی نخبگان منتقد، افکار عمومی را علیه دولت بسیج و مشروعیت و اعتبار اقدامات کلان را مخدوش می‌کند (روشندل اربطانی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵).

در سطح درون‌سازمانی، سیاست‌گذاری رسانه برای تأمین مقاصد شریعت مانند قدرت، تبلیغ دین، حفظ نظام و رفاه‌گستری، شامل فرایندهای پیش‌تولید، تولید، انتشار و بازخوردگیری است. پیش‌تولید بر اندیشه‌ورزی، سوژه‌یابی، آفیش، شخصیت‌پردازی و تاکتیک‌های خبری (الگودهی، اعتباربخشی) تأکید دارد. تولید شامل سوژه‌پردازی، منبع‌یابی، جمع‌آوری اطلاعات (دقت، صحت، امانت، سرعت)، مهندسی خبر، بسته‌بندی، مدیریت تصویر، برجسته‌سازی و تعارض است. انتشار، مقاصد شرع را با اغنا (غنی کردن محتوا)، مدیریت آنلاین، زمان‌بندی، چینش و تکرار پیگیری می‌کند. بازخوردگیری بر مخاطب‌شناسی، سنجش واکنش، اعتمادسازی، رضایت، ذائقه‌سنجی، تأمین نیاز، واکنش معکوس و شناسایی اختلال تمرکز دارد. سیاست‌گذاری‌های داخلی بیشتر در پیش‌تولید شکل می‌گیرد و از خط‌مشی‌های رسانه‌ای (اعمال‌شده توسط

مالکان، هیئت مدیره یا مدیران) سرچشمه می گیرد. مالکیت رسانه کنترل را تقویت می کند. خط مشی های کلان خبری در مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی، بر الگوهای ترتیبی (شکل ۱) یا همزمان (شکل ۲) پیش می رود.



شکل ۱. الگوی خط مشی گذاری ترتیبی



شکل ۲. الگوی خط مشی گذاری هم زمان

سازمان خبری برای تعیین راهبردهای تحقق مقاصد شریعت به ترسیم اهداف بنیادین و بلند مدت، شیوه اتخاذ اقدامات و تخصیص منابع برای تحقق اهداف کلان می پردازد. سه الگوی راهبرد برنامه (جدول سوات)، راهبرد موقعیت (مزیت رقابتی) و راهبرد الگوسازی در تعیین راهبردهای تحقق مقاصد شریعت نقش آفرین هستند.

نتیجه گیری

سیاست گذاران جمهوری اسلامی ایران برای اداره کلان سازمان های رسانه ای - خبری

داخلی باید تحقق مقاصد شریعت مرتبط با خبررسانی را دنبال کنند. بدین منظور در گام اول برای تحقق اهداف راهبردی کشور و مقاصد شریعت، نیازمند تدوین سند بالادستی با عنوان استراتژی امنیت ملی رسانه‌ای هستیم. این سند ملی، اصول ارزش‌ها، باورها و غایات کلان حاکمیت اسلامی را تعیین می‌کند. براساس این سند بالادستی، دولت‌ها، نهادهای حاکمیتی و مدیران رسانه‌ها اقدام به آینده‌نگری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و سایر فرایندهای مدیریتی می‌کنند. در سطحی‌ترین لایه از طبقات حکمرانی، رسانه در جهت تحقق مقصد رفاه عمومی روندهای کمی، مشکلات و مسائل مربوط به حوائج و نیازهای اقشار ضعیف را بررسی، مطالبه‌گری و راه‌گشایی می‌کند. در این مرحله، بدیهی است که عده‌ای که منافعشان به خطر می‌افتد، مخالفت خواهند کرد. در سطح دوم، مقصد حفظ نظامات اجتماعی دنبال می‌شود و رسانه‌های خبری به عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی برخی ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های موجود در نظامات اجتماعی می‌پردازند. کنشگری خبری رسانه‌ها در این سطح بر روی رفع هرج و مرج، ناکارآمدی و اختلال موجود در نظامات اجتماعی متمرکز می‌شوند. مقصد حفظ و تولید قدرت در سومین سطح، از طریق رسانه‌های خبری دنبال می‌شود. در این سطح، عزم ملی برای تبدیل نقاط ضعف به قدرت برانگیخته می‌شود و تمامی امکانات دولتی، ملی و خصوصی با هدف پیش‌بینی بازی دشمن، دفع تهدیدهای هیبریدی و تولید قدرت بازدارنده برانگیخته و سازماندهی می‌شود. چهارمین و عمیق‌ترین سطح سیاست‌گذاری رسانه‌ای در این سند ملی، به مقصد حفظ و برتری دین می‌پردازد. از آنجا که امروزه قوت و اعلای دین اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) با سرنوشت نظام جمهوری اسلامی گره خورده است، حفظ حکومت اسلامی در اولویت قرار می‌گیرد. بر این اساس یکی از تهدیدهای پیش‌رو، اندیشه سکولاریسم است که امروزه در حوزه‌های علمیه نیز نفوذ و رسوخ کرده و مانند موربانه‌ای، پایه‌های مردم‌سالاری دینی را به خطر انداخته است؛ بنابراین تحکیم گفتمان جهاد تبیین، تولید علوم انسانی اسلامی و تحقق بیرونی الگوی دعوت - اجابت در دستور کار دولتمردان و مدیران رسانه‌های خبری قرار می‌گیرد.

فهرست منابع

- احسائی، ابن ابی جمهور. (۱۴۱۰ق). الأقطاب الفقهية على مذهب الإمامية. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام (ج ۷). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- آل عصفور بحرانی، حسین. (۱۴۲۱ق). سداد العباد و رشاد العباد. قم: کتابفروشی محلاتی.
- باقری، محمدرضا و پور عزت، علی اصغر. (۱۳۹۲). ارائه الگوی ترکیبی برای خط مشی گذاری در عرصه دانشگاه، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۰(۷۴)، صص ۱۶۵-۱۹۹.
- بجنوردی، سیدحسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه (ج ۷). قم: نشر الهادی.
- بحرالعلوم، سیدمحمد. (۱۴۰۳ق). بلغة الفقيه (ج ۳، چاپ چهارم). تهران: منشورات مکتبه الصادق.
- بحرالعلوم، سیدمحمد مهدی. (۱۴۲۷ق). مصابیح الاحکام (ج ۱). قم: منشورات میثم التمار.
- بروجردی، سیدحسین. (۱۴۱۶ق). تفسیر صراط المستقیم (ج ۱). قم: مؤسسه أنصاریان للطباعة والنشر.
- پارسانیا، حمید. (۱۳۸۴). سکولاریزم و معنویت، فصلنامه علوم سیاسی، ۸(۳۲)، صص ۷-۲۶.
- تستری، قاضی نور الله. (۱۴۰۹ق). إحقاق الحق و إزهاق الباطل (ج ۲). قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفي.
- توحیدی تبریزی، محمدعلی. (۱۴۲۸ق). مصباح الفقاهه فی المعاملات: تقریرا لابیاحث ابوالقاسم الموسوي الخوئي (ج ۲، چاپ دوم). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئي.

جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست (محقق: عباس رحیمیان، چاپ پنجم). قم: اسراء.

جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). جامعه در قرآن: تفسیر موضوعی قرآن کریم (چاپ سوم، تحقیق مصطفی خلیلی). قم: اسراء.

حائری، سید کاظم. (۱۴۲۴ق). ولایة الأمر فی عصر الغیبة (چاپ دوم). قم: مجمع اندیشه اسلامی. حائری، سید کاظم. (۱۴۲۵ق). المرجعیه و القیاده (چاپ سوم). قم: دار التفسیر.

حسینی عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج. (۱۴۱۶ق). کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، احمد بن محمد اسدی. (۱۴۰۷ق). المذهب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خوانساری، سید احمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (ج ۳، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۱ق). الاجتهاد و التقليد (چاپ سوم). قم: چاپخانه نوظهور.

روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری رسانه‌ای. تهران: دانشگاه تهران.

روشندل اربطانی، طاهر؛ پورعزت، علی اصغر؛ عقیلی، سیدوحید؛ لبافی، سمیه. (۱۳۹۴). طراحی و تبیین مدل سیاست‌گذاری براساس مولفه‌های بنیادین در صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۸(۲۸)، صص ۱۰۹-۱۳۷.

سزوارى، سید عبد الاعلی. (۱۴۱۳ق). مذهب الاحکام فی بیان حلال و الحرام (ج ۱۱، ۲۷، چاپ چهارم). قم: موسسه المنار.

سند، محمد. (۱۴۲۶ق). أسس النظام السياسي عند الإمامية. قم: مکتبه فدک.

شافریتز، جی. ام؛ بریک، کریستوفر پی. (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا (مترجم: حمیدرضا ملک محمدی). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۰۰ق). القواعد و الفرائد (مصحح: سید عبدالهادی حکیم، ج ۱). قم: کتابفروشی مفید.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (ج ۱۴). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- شهید صدر، سید محمد باقر. (۱۳۵۷). اقتصاد ما یا بررسی های درباره مکتب اقتصادی اسلام (مترجم: عبد العلی اسپهبدی، ج ۲، چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامی.
- شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). المكاسب المحرمة (البيع و الخيارات) (ج ۱، ۲). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (ج ۶، ۱۲). قم: موسسه آل البيت علیه السلام.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۷ق). الامالی (ج ۱). قم: موسسه البعثة.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه (ج ۲، چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- شیخ کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۲، ۵، ۶، ۸، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طباطبایی قمی، سید تقی. (۱۴۲۶ق). مبانی منهاج الصالحین (ج ۸). قم: منشورات قلم الشرق.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ج ۱۵). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۰). تهذیب الوصول إلى علم الأصول (مصحح: محمد حسین رضوی کشمیری، ج ۱، ۴). لندن: مؤسسة الإمام علي علیه السلام.
- علامه طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۴). المیزان فی تفسیر القرآن (مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ج ۹، ۱۰، ۱۱، چاپ دوم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

غمامی، سید محمدعلی؛ اسلامی تنها، اصغر. (۱۳۹۸). هم‌شناسی فرهنگی؛ الگوی قرآنی ارتباطات میان فرهنگی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فاضل مقداد، ابن عبدالله سیوری. (۱۴۰۳ق). نضد القواعد الفقهية على مذهب الإمامية (مصحح: سید عبد اللطیف حسینی کوه‌کمری، ج ۱، ۲). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

فاضل مقداد، ابن عبدالله سیوری. (۱۴۰۴ق). التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

فخر المحققین، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد (ج ۳). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

فیاضی، مسعود؛ محمدی، روح الله. (۱۴۰۱). فقه نظام از رهگذر بررسی نظرات گوناگون و تبیین رابطه آن با علوم انسانی اسلامی، فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۹ (۷۴)، صص ۱۵۹-۱۸۳.

کاشف الغطاء، حسن بن جعفر. (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهة: کتاب القضاء. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.

کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی. (۱۳۵۹ق). تحرير المجلة (ج ۱). نجف: المكتبة المرتضوية.

گلپایگانی، سید محمد رضا. (۱۴۱۲ق). الدر المنضود في احكام الحدود (ج ۱). قم: دار القرآن الکریم.

مازندرانی، محمد صالح. (۱۳۸۲ق). شرح الکافی (الاصول و الروضة) (ج ۸). تهران: المكتبة الاسلاميه.

محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد في شرح القواعد (ج ۱۳، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

محققی، محمد مهدی. (۱۴۰۳). «کاوشی فقهی در حکمرانی فضای مجازی: چالش‌ها و راهکارهای تقویت قدرت و بازدارندگی نظام اسلامی»، دوفصلنامه مطالعات فقه و حقوق رسانه، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۰۷-۲۴۶.

محققی، محمد مهدی. (۱۴۰۴). فقه خبر؛ پژوهشی در احکام فقهی رسانه‌های خبری. قم: تسنیم فکر.

- مقدس اردبیلی، احمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان (ج ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۲۴). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ملا صدرا، محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۴). مفاتیح الغیب (تعلیقات مولی علی نوری، تصحیح و مقدمه محمد خواجوی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مهدی زاده، سیدمحمد. (۱۳۹۳). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی (چاپ چهارم). تهران: همشهری.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام (چاپ هفتم، ج ۴۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- واسطی، عبد الحمید؛ گلکار، محمدحسین. (۱۳۹۸). فقه حکومتی؛ چیستی، چرایی، چگونگی (مبنتی بر نظریه اجتهاد سیستمی)، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۴۹-۷۱.
- الوانی، سیدمهدی و شریف زادگان، فتاح. (۱۳۹۳). فرایند خط مشی گذاری عمومی (چاپ دوازدهم). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- وحید خراسانی، حسین. (۱۴۲۸ق). منهاج الصالحین (چاپ پنجم، ج ۱). قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۳ق). قراءات فقهیة معاصرة (ج ۲). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- یوسف زاده، حسن؛ اسلامی تنها، اصغر و غمامی، سیدمحمدعلی. (۱۳۹۴). در آمدی بر ارتباطات جمعی از منظر اسلام؛ الگوی رسانه مطلوب. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- Broad, William J. & Markoff, John & Sanger, David E. (2011), "Israeli Test on Worm Called Crucial in Iran Nuclear Delay", *The New York Times*, 15 January 2012.
- Etzioni, Amitai (1967), "Mixed-Scanning: A "Third" Approach to Decision-Making", *Public Administration Review*, Vol. 27, No. 5.
- Hutchison, David (1999), *Media Policy: An Introduction*, Wiley-Blackwell.

- Jahan, F. (2016), "Media Wars: Narrative and Psychology", *International Journal of Communication*, Vol. 10.
- Kingdom, Ioim W. (1989), " Agendas, Alternatives and Public Policies", *Journal of Public Policy*, Vol. 9, No. 2.
- Lindblom, Charles Edward (1959), " The Science of Muddling Through", *Public Administration Review*, Vol 19, No. 2.
- Puppis, Manuel (2010), "Media Governance: A New Concept for the Analysis of Media Policy and Regulation", *Communication, Culture and Critique*, Vol. 3, No. 2.